مناجات - اى محبوب ابهى سپاس تراكه از بدو اشراق امر

حضرت شوقى افندى

نسخه اصل فارسی



### مناجاة (١٠) – مجموعه مناجات حضرت ولي أمر الله، نشر سوّم، آلمان ١٥٧ بديع، صفحه ٣٢

ای محبوب ابهی سپاس ترا که از بدو اشراق امر اعزّ اعلایت و تاسیس بنیان قوی الارکان مقدس نازنینت و صدور بشارت جان افزای جلوه نظم بدیع جهان آرایت این مشت ضعفا را با وجود هطول امطار رزایا و بلایا و هبوب عواصف و قواصف لا تعدّ و لا تحصی و تتابع محن و مصائب از زجر و حبس و نهب و نفی و اسارت و سفک دماء و تسویلات و تعدیات و دسائس اولو البغضاء و مهاجمه عنیف ملوک و خلفا و علما و امراء در ظل جناحت مقر و ماوی بخشیدی و وحدت جامعه منادیان امر اعظمت را و سالکان سبیل اقومت را از انشقاق و انقسام و انشعاب محافظه فرمودی و لؤلؤ امر گرانبهایت را در صدف میثاق از سارقان و خائنان و اهریمنان صیانت نمودی و پرچم استقلال شریعت غرّا را بدست باسلان و مبارزان امرت در ممالک غربیه و اقالیم شمالیه و اقطار جنوبیه برافراشتی جالسین بر اریکه ظلم و اعتساف را بخاک مذلّت بینداختی و صفوف ناقضین و ناکصین عهد بیمثل و عدیلت را در دوره اولی و عهد ابهی و یوم میثاق و پس از افول کوکب پیمان از افق عالم امکان در هم شکستی و آثار بهیّه صادره از مخزن قلم اعلایت را بید ملائکه ناشرات بازید از پنجاه لغت از لغات شرقیه و غربیه در بین عالمیان منتشر ساختی و بنیاد لایتزعزع نظم اجل افخم اعلایت را در نود اقلیم در خاور و باختر استوار فرمودی و نمایندگان سی نژاد از نژادهای مختلفه جهان را در سلک مستظلّین رایت بیضایت محشور نمودی و اعظم و اشرف دول قاهره ارض را و جمعی از اجلّه و دانشمندان باختر را بر تجلیل و تکریم و تشهیر مبادی و تعالیم امر نازنینت برانگیختی و باعتراف باصالت شریعت سمحاء و اقرار برسمیّت هیأت منتخبه جامعه پیروان امرت و نصرت مستضعفین عبادت در اقطار شرقیه بگماشتی و از قلم ملکه ای از ملکات در اقلیم فرنگ خطابهای مهیّجه متتابعه در ستایش و نیایش تعالیم مقدسه و مبادی سامیه امرت بصرافت طبع و طیب خاطر صادر فرمودی نقاب از وجه شریعت غرّایت برانداختی و سرّ مکنون و رمز مصون را شهره آفاق نمودی کوس استقلال دین مبین را در اعلی المقامات بدست دشمنان دیرین علمای رسوم بلند نمودی و بسمع قریب و بعید رساندی و مرکز خلافت عظمی خصم خصیم و عدو لدود شارع امرت را از اوج عزت بحضیض ذلت بینداختی مصداق وعود حتمیه کتاب اقدس و قسطاس اعظمت را مستمرّا مترادفا متتابعا ظاهر نمودی و قبله اهل بهاء را در قلب عالم ارض میعاد لانه انبیاء و اصفیاء در مرج عکّا و بقعه احدیه نوراء جوار مدینه منوره بیضا مستقر فرمودی و اسّ اساس قصر مشید نظم اعظم حجر زاویه دیوان عدل الهی را در اشرف ممالک ارض در دامنه کرم مقدس الهی بید قدرت بنهادی ای قوی قدیر این نهال بی همال را که در مزرعه جهان باصابع اقتدار و اراده غالبه و مشیّت نافذه ات غرس نمودی و بحرارت محبّت بی منتهایت پرورش دادی و بدماء برئیه بیست هزار نفس از شهیدان امرت سقایت نمودی و از سیل بنیان کن محن و آفات گوناگون متجاوز از صد سال محافظه نمودی و اصلش را در ارض کبریا ثابت فرمودی و فرعش را در ما وراء البحار باقالیم شاسعه نائیه در قطعات خمسه عالم رساندی از نشو و نما باز مدار و در ظلّ رعایت و صون حمایت خویش از صرصر امتحانات شدیده و انقلابات آتیه و منازعات کونیه صیانت فرما و از فیض پر بار و شکوفه نما و از اشعّه ساطعه تائید اهتزازی جدید بخش و از اقتطاف ثمرات جنیّه بهیّه قدسیه ازلیّه منیعه بدیعه اش جهان و جهانیان را بمرور ایام بهره مند فرما وعود باقیه که در ام الکتابت بتلویح و تصریح بقلم اعلایت ثبت نمودی ظاهر نما حزب مظلوم را در موطن اصلیت از قیود و سلاسل صد ساله برهان دست تطاول ستمکار را کوتاه کن و قوم ظلوم و جهول را بعذاب ادهم انتقام کبیر اکبرت معذّب فرما غیوم کثیفه از افق آن اقلیم پر ابتلا متلاشی کن و هیاهو و عربده جهلاء و بلهاء و سفهاء را تسکین ده اهل فتور را عبرة للناظرین نما و عصبه مقلّدین و سالکین منهج سقیم را بشاهراه هدایت کبری دلالت نما گمگشتگان وادی شهوات را در این بحران عظیم بحلل تقدیس و تنزیه مزیّن کن و فئه مستکبرین و خادعین و منحرفین و منفضلین از جامعه پیروان امرت را تقلیب نما و بتلافی مافات موفق دار دول و ملل عالم را که در هیماء ضلالت هائم و در تولید نفاق و کشتن بذر شقاق مداوم و در تسعیر نار حرب و قتال ساعی و جاهد هدایت فرما و از این سبات عمیق و کابوس ثقیل نجات ده و از خطر محدق که سقوط و هبوط باسفل درکات است محافظه فرما من علی الارض را کما وعدتنا فی زبرک و الواحک از ادیان مختلفه و مذاهب متفرقه و اوطان متباغضه و اجناس متنوّعه و طبقات متضادّه و احزاب متنافره در ظل سراپرده اصلیّه حقیقیه مجتمع فرما و برفع ارکان صرح مشید رفیع المناء محکمه کبرایت بگمار سلطنت الهیه و غلبه ظاهره و سلطه قاهره و سیطره محیطه اسم اعظمت را بر مدّعیان کالشّمس فی رابعة النهار ظاهر و آشکار فرما و وحدت سیاسی و دینی و نژادی و اقتصادی و اجتماعی نوع بشر را که از علامات بلوغ عالم و از اعظم بشارات مصرّحه در صحف الهیّه نازله در ادوار سابقه و محور تعالیم مقدسه در این یوم عظیم است و اشرف ثمره عصر ذهبی دوره اولای کور بهائی محسوب و مقدمه تاسیس مدنیّت لا شرقیه و لاغربیه الهیه است در انجمن بنی آدم بر اساس متین و رزین تأسیس کن تا عالم پر شور و آشوب بآسایش حقیقی فائز گردد و قلوب از قید هموم و غموم برهد و از محنت عظمی و بلیّه کبری نجات یابد و عالم ناسوت به نیروی اسم اعظمت که در حق کائنات و هویّت ممکنات جاری و ساری جلوه گاه ملاء اعلی و آئینه عالم بالا و قطعه ای از فردوس ابهی گردد توئی مغیث و توئی مجیر و توئی شنونده و بینا و مقتدر و توانا .

بنده آستانش شوقی